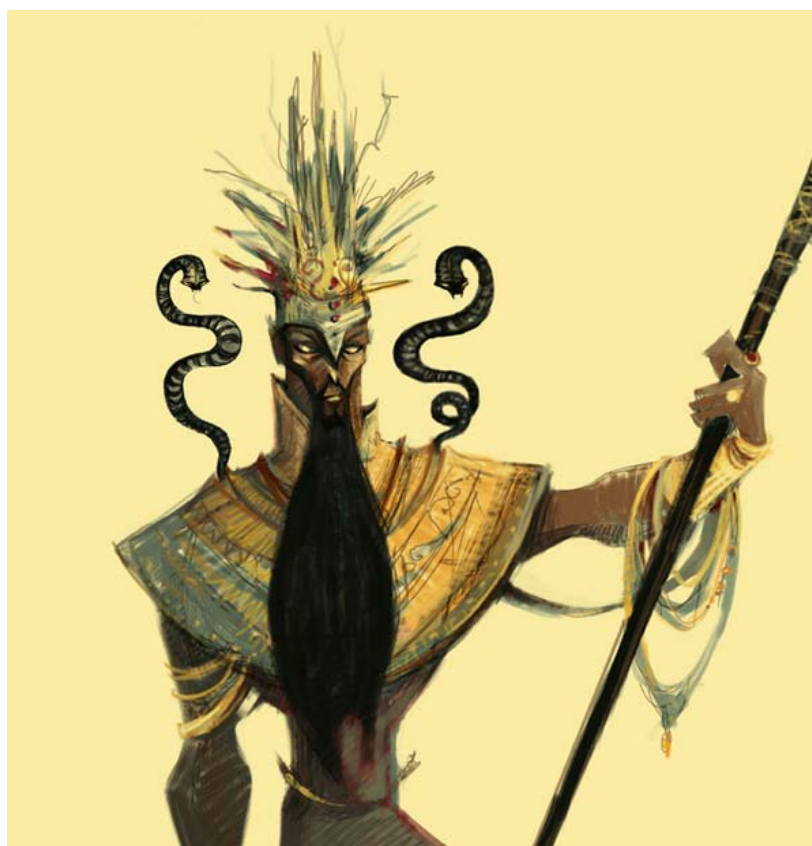


نوروز باستانی بر همگان خجسته باد

فریبرز رهنمون

نوروز، سال نو ایرانی، تنها سال نو مطابق با علم و دانش است چون دقیقاً در لحظه وقوع اعتدال بهاری (برابری شب و روز در اول بهار) جشن گرفته می شود. نوروز از تمام مرزهای مذهبی و ملیتی عبور کرده و توسط تمام مللی که روزگاری تحت قلمرو ایران بزرگ بودند شامل ایرانی، افغانی، تاجیک، ازبک، قزاق، آذری، کرد، هندی، و مذاهب ارمنی، بهایی، اسمائیلی، شیعه، سنی، یهپایی و زرتشتی، جشن گرفته می شود.

در شاهنامه فردوسی، آمده است که پادشاهی بود بنام ضحاک که ابلیس مکار شانه هایش را بوسیده بود و در محل بوسه ها دو مار ظاهر شدند، سپس ابلیس بصورت یک پزشک بر بالین ضحاک ظاهر شد و گفت تنها راه رهایی از این مارها تغذیه آنها بوسیله مغز جوانان است. این داستانها سمبولیک (نمادین) هستند.



خوردن مغز جوانان کنایه ای است از شستشوی مغزی جوانان، حالا چرا جوانان؟ باورها و اعتقاداتی که از زمان بچگی و نوجوانی در مغز حک می شوند معمولاً در تمام طول عمر با شخص می مانند و به این سادگی حتی با علم و دانشی که شخص بعدها کسب می کند، تغییر نمی کنند. از زمان کودکی به ما گفته شده است که سال نو همان نوروز است. بطوریکه حتی ما به خودمان اجازه نمی دهیم که بپرسیم چرا سال نو را روز نو می نامیم.

هر بار که من سعی کرده ام تفاوت نوروز و سال نو را برای ایرانیان توضیح بدهم آنها گیج شده اند. ضحاک کارش را خوب انجام داده است. بنابراین امروز به من اجازه بدهید این موضوع را از دیدگاه کانادایی توضیح بدهم.

در ساختمان پارلمان بریتیش کلمبیا در ویکتوریا روی یکی از پنجره های رنگینش نام یک شخص ایرانی حک شده است. متن راهنمایی توریستی به شما می گوید که او پدر فلسفه است. او ۳۷۵۲ سال پیش در کشور پادشاهی بلخ در مرز ایران و افغانستان امروزی زندگی می کرد. در آن زمان آنها اعتدال بهاری را به عنوان سال نو جشن می گرفتند.

فردوسی نیز این را تایید می کند چون می گوید: «سر سال نو اورمزد و فروردین».

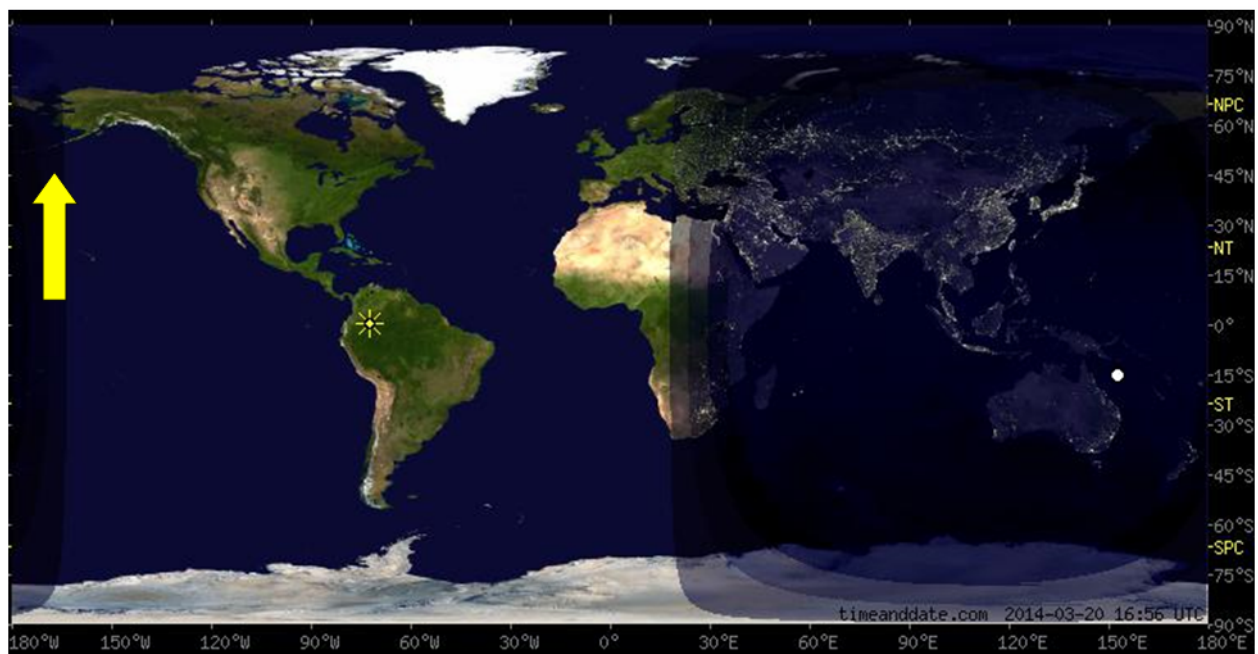
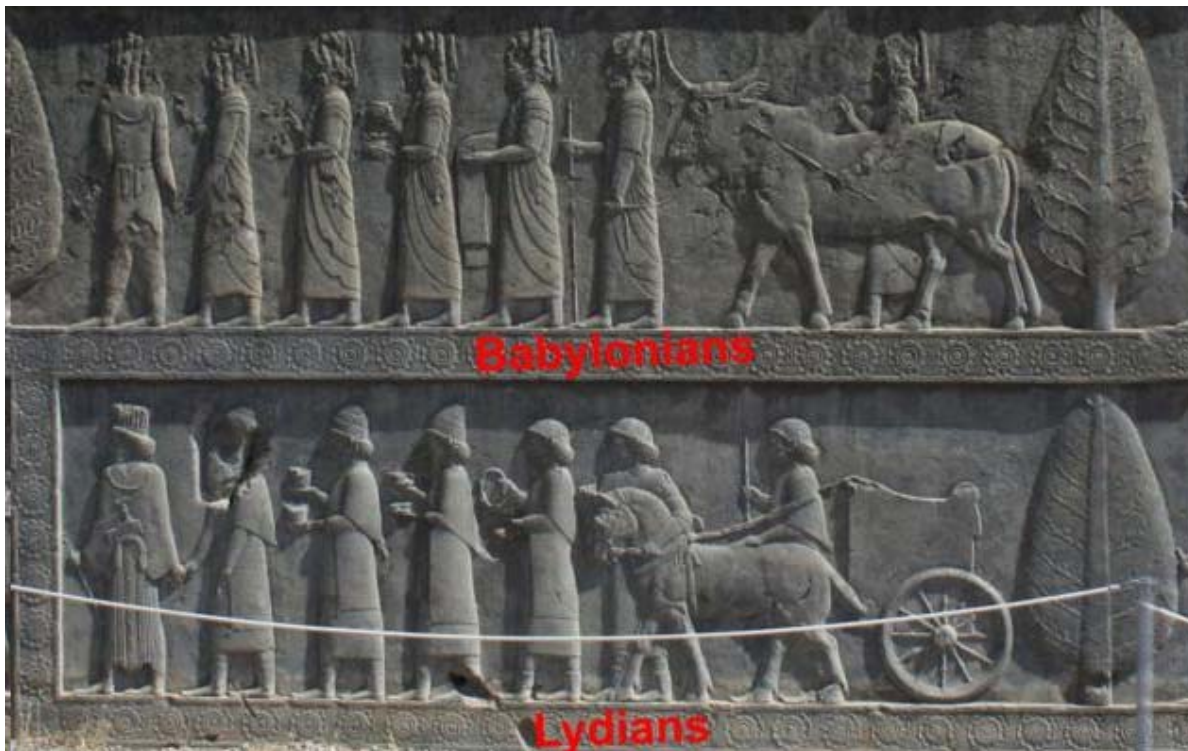
این مرد دانشمند که یک منجم هم بود یک رصدخانه کوچک نزدیک دریاچه هامون داشت که در آن توسط محاسبات ستاره شناسی دریافت که در سال ۱۷۲۵ پیش از میلاد، لحظه تحویل سال و طلوع خورشید بطور همزمان در کشور بلخ اتفاق می افتد. به عبارت دیگر سال نو و روز نو در این محل بر هم منطبق می شوند. بنابراین او این پیغام را به شاه گشتاسب می دهد و شاه گشتاسب آن روز را نوروز می نامد. این اتفاق هر سال در یک جای متفاوت در روی کره زمین اتفاق می افتد و ۷۲ سال طول می کشد تا دوباره در همان محل قبلی (حدوداً) اتفاق بیفتد. به عبارت دیگر نوروز واقعی هر ۷۲ سال یکبار در خود ایران اتفاق می افتد.

همچنین براساس حکاکای های موجود در سرتاسر تخت جمشید، این رویداد در ۴۸۷ سال قبل از میلاد در تخت جمشید جشن گرفته شده است.

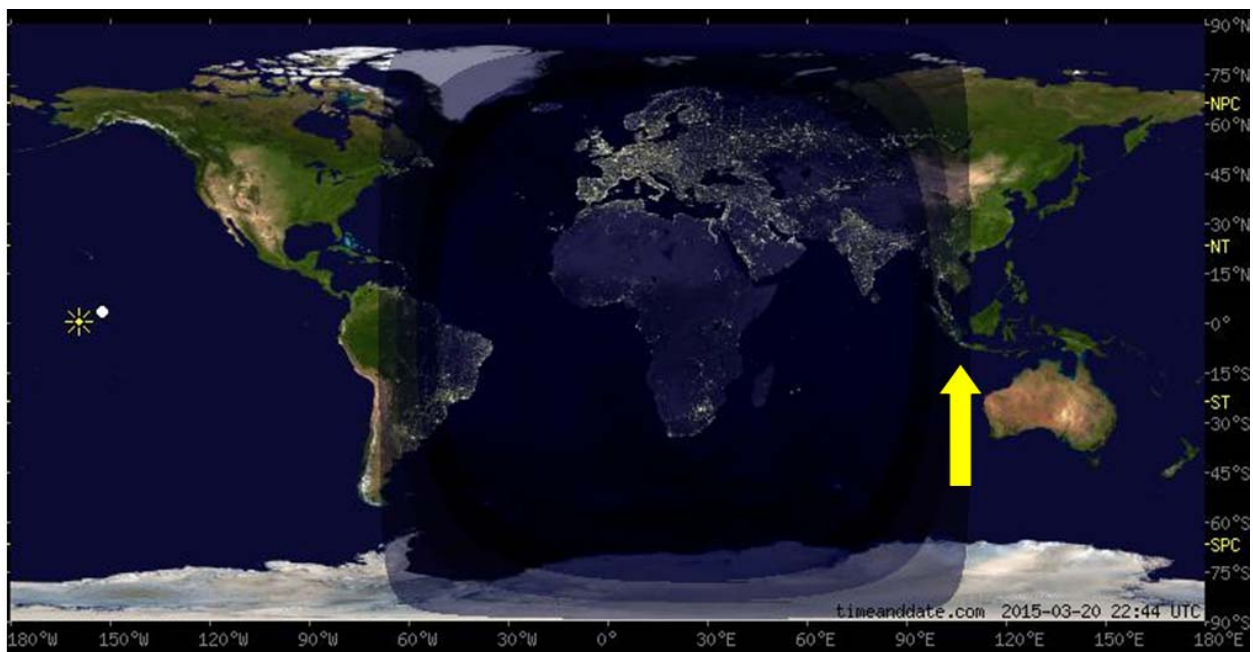


به گفته مورخین داریوش شاه، کاخ آپادانا را به این مناسبت ساخت و سنگ مکعبی شکل در مدخل کاخ قرار داد. درست در لحظه رخداد اعتدال بهاری و تحویل سال نو اولین اشعه طلوع خورشید روی این سنگ افتاد. همینطور که در حکاکای های تخت جمشید می بینیم، فرستادگان (سفیران) از همه کشورهای تحت فرمانروایی ایران در دسته های ۷ نفره به تخت جمشید آمده بودند که شاهد این رخداد علمی کشف شده توسط ایرانیان باشند.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

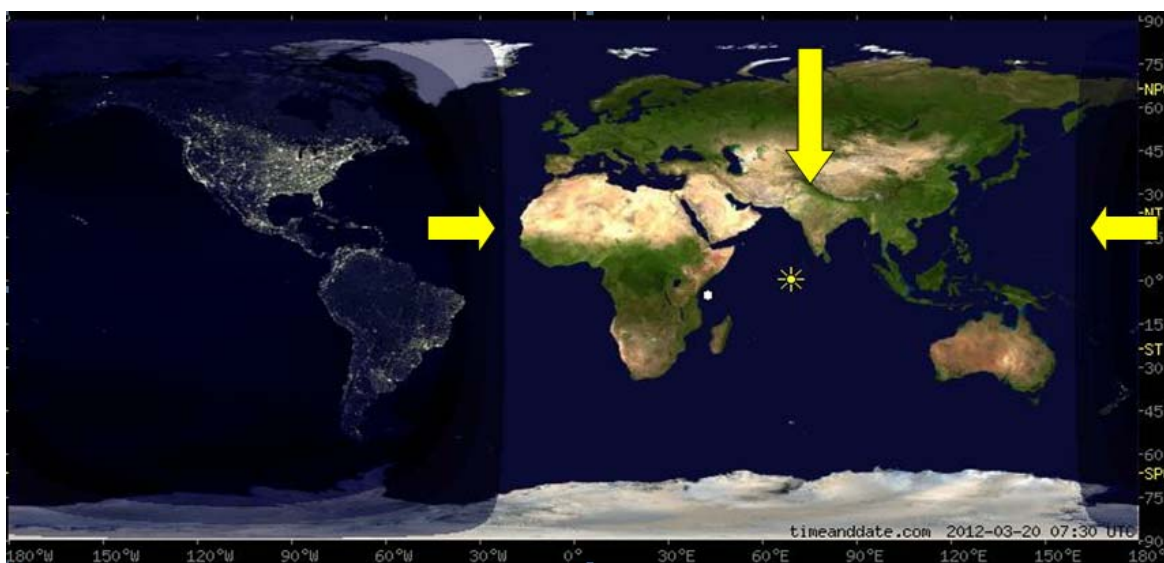


در سال ۲۰۱۴ تحویل سال نو و طلوع خورشید بطور همزمان در آلاسکا و اقیانوس آرام بوقوع می پیوندد.



در سال ۲۰۱۵ تحول سال نو و طلوع خورشید بطور همزمان در چین و مالزی بوقوع می پیوندد.

این فرزانه ایرانی که نامش زینت بخش ساختمان پارلمان بریتیش کلمبیا هست با انجام یک محاسبه مهم دیگر بر اعتبارش افزود: محاسبه یک نصف النهار علمی «نیمروز». او محاسبه کرد وقتی که خورشید در طول جغرافیایی ۶۳ درجه، نزدیک به مرز امروزی ایران و افغانستان در موقعیت نیمروزی است، آفتاب به سرتاسر نیمکره از ژاپن و استرالیا محل طلوع خورشید در شرق تا غربی ترین نقطه آفریقا در غرب می تابد. این کشف در اوستای باستانی در بخش مهریشت کرده ۱۰۴-۱۰۳ ثبت شده است. حتی امروزه بدون اطلاع از دلیل واقعی، در این محل در افغانستان استانی است بنام نیمروز.



نیمروز



اهمیت این اکتشافات زمانی مشخص می شود که با علم مدرن امروزی مقایسه می شوند. در حدود ۳۰۰ سال پیش همگان بر این باور بودند که زمین مرکز جهان است و خورشید و سایر ستارگان و سیارات بدور آن می چرخند. در سال ۱۶۱۶ گالیله بخاطر اینکه گفت زمین مرکز جهان نیست محکوم شد و تا زمان مرگش در سال ۱۶۴۲ در حالت بازداشت در خانه اش زندانی بود. بنابراین نوروز و نیمروز معرف سطح بالای دانش پیشینیان و عظمت تمدن از دست رفته مان هست.

سفره نوروزی

مهمترین ویژه گی نوروز چیدن سفره نوروزی است که ما آن را هفت سین یا هفت شین می نامیم. این به منظور مصون نگه داشتن آن از نابودی، از اسم «سین» و «شین» استفاده شده و شامل اجزایی با نام های عربی است. این خودش ثابت می کند که «سین» و «شین» را در قرون اخیر درست کرده اند.

پس فرم قدیمی این سفره چگونه بوده است؟

در روزگاران قدیم هفت «سینی» که سمبل هفت قانون ابدی طبیعت بودند را روی این سفره می گذاشتند. در این سینی ها چیزهای متنوعی گذاشته می شده که بعضی سمبلیک بودند و بعضی دیگر چیزهایی بودند که آن خانواده آرزو داشت که در سال جدید به مقدار زیاد بدست بیاورد. این هفت قانون در هفت لغت خلاصه شده است که بعداً توسط مذهب به فرم هفت فرشته مقدس و هفت صفت خدا در آمده اند و همینطور در ادبیات فارسی به نامهای هفت شهر عشق و هفت خوان رستم آمده اند. در حقیقت این هفت مرحله، هفت پله پیشرفت انسان به سمت کمال هستند.

هفت سینی سفره نوروزی

هفت قانون ابدی

۱- بهمن = از منش خود نیک استفاده کنید.

(به = نیک، من = اندیشه به): اندیشه نیک (در اوستا وهومنه گفته می شود).

۲- اردیبهشت = با استفاده از منش نیک به راستی ها دست یابید.

بهترین راستی که فقط در طبیعت نهفته هستند. (در اوستا اشا وهیشتا گفته می شود که اشا = راستی، قانون طبیعت - وهیشتا = بهترین).

۳- شهریور = با اشا (راستی) بدست آمده شهریاری کنید و با قانون و

راه و روش درست زندگی کنید و محصول سالم بدست آورید

نیروی شهریاری (در اوستا خشته وئیریه گفته می شود).

۴- اسفند = شهریاری نیک، جامعه نیک و درستکار با خواسته ها و

اهداف نیک بوجود می آورد.

خواسته نیک، جامعه درستکار. (در اوستا سپننه آرمئیتی گفته می شود).

۵- خرداد = انسانهایی که در جامعه نیک زندگی می کنند می توانند به

رسایی برسند

رسایی در دو بُعد جسمی و روانی. (در اوستا هئوروات گفته می شود).

۶- امرداد = جاودانگی. کسانی که به رسایی می رسند امرداد می شوند.

یعنی در طول زندگی عاری از ترس از مرگ می شوند و بعد از مرگ نام

نیک شان در یادها جاودانه می شود.

(در اوستا امرتات گفته می شود).

۷- اهورامزدا = رسیدن و یکی شدن با خدا (خود + آ)ی درون از راه

خودشناسی (گر به خود آیی به خدایی رسی).

این قوانین که در کتاب گاتها آمده است بوسیله شخصی نوشته شده که نامش زینت بخش ساختمان پارلمان بریتیش کلمبی است. «زرتشت»



این قوانین را می توان در انجیل هم یافت. ۳ قانون اول به عنوان هدیه به مسیح در کودکی از طرف مغان داده می شود. که معانی آنها در بخش های Matthew 4:3-11 و Luke 4:3-13 آمده است.

اول شیطان از مسیح خواست که با استفاده از مانا (اندیشه اش) سنگ ها را به نان تبدیل کند و مسیح گفت: «انسان با نان تنها نمی تواند زندگی کند».

متأسفانه امروزه ما می خواهیم هر سنگی را به نان (پول) تبدیل کنیم.

سپس شیطان از مسیح خواست که برخلاف قانون طبیعت (اشا) عمل کند و از برج معبد بپرد. و مسیح می گوید قانون خدا برای پسر خدا و انسانهای دیگر یکسان است و نمی پرد.

سر انجام شیطان از مسیح می خواهد که قوانین شیطان را اشاعه دهد که مسیح خودداری می کند (شهریور). درحالیکه ۳ قانون اول در قالب داستان مذهبی گفته شده. ۴ قانون بعدی صراحتاً توسط مسیح بیان می شود.

«خواستۀ نیک، جامعۀ درستکار» (اسفند) Matthew 5:20

«شما می توانید مانند پدرمان در بهشت رسا و کامل باشید» (خرداد). Matthew 5:1-48

«آنها از من پیروی می کنند و من به آنها زندگی ابدی می بخشم» (امرداد). John 10:27-28

«من و پدر یکی هستیم» (خود - آ). John 10:30

یهودیان گفتند ما بخاطر اینکه کفر می گویی به تو سنگ می زنیم چون تو که یک انسان هستی ادعای خدایی می کنی.

این فرهنگ و فلسفه زیربنای حکومتی ایرانیان شد. حکومتی که به جهانیان منشور حقوق بشر را ارائه داد، به زنان کارگر مرخصی حاملگی با حقوق داد، که در آن زنان حتی به مقام فرمانده لشکر می رسیدند، که بجای ساختن معابد، ۲۴۰۰ کیلومتر شاهراه از شوش تا ساردیس بنا کردند، که دریای مدیترانه را بوسیله رود نیل به دریای سرخ متصل کردند.

این فرهنگ و فلسفه دوبار در طول تاریخ ویران شد، یکبار به وسیله اسکندر که فرهنگ رُم و خدای شبیه اناناش را جایگزین آن کرد و بار دوم به وسیله حمله اعراب ویران شد.

حدود ۱۳۰۰ سال پیش، پروان این فلسفه که از آن به عنوان یک دین پیروی می کردند و اکنون بنام پارسی شناخته می شوند به هندوستان پناهنده شدند، آنها تا به امروز در همه رشته ها از نظر نوآوری پیشگام جمعیت بیلونی هند بوده اند و از نظر اقتصادی و داد و دهش نیز در جهان منحصر به فرد بوده و هستند و شرکت تاتا که بزرگترین گروه صنعتی هند است نمونه بارز این حقیقت است.

امروز که ایرانیان در سراسر جهان پراکنده شده اند موقعیت خوبی است که یک بازآموزی درمورد معنی و هدف سفره هفت سین داشته باشیم و این جشن باستانی را با یک درک درست و شورتایی نو به جهانیان معرفی کنیم. باشد که با احیاء این فلسفه کهن، خرد و دانش بر جهل و خرافات غلبه کند و صلح و عشق جایگزین آشوب و نفرت شود که ملت ها بخاطر منابعشان چنین مورد تهاجم و استثمار قرار نگیرند. باشد که مخترعین و نوآوران که بشریت را بسوی رسایی رهنمون می کنند مورد تقدیر قرار گیرند، ملاک ثروت میزان دانایی و نوآوری شود نه دلار، نفت، طلا و الماس!

به امید پیروزی خرد